



نقش فرهنگ راهبردی در شکل‌دهی به سیاست‌های دفاعی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۳۹۸)

حسینعلی مهرنیا^۱؛ علی اسکندری پری^۲

۳۰

چکیده

پرسش اصلی پژوهش آن است که سیاست‌های دفاعی ایران در دوره پس از جنگ تحمیلی تا چه اندازه تحت تأثیر مؤلفه‌های فرهنگ راهبردی قرار داشته است. فرض اصلی تحقیق بر این مبنا استوار است که سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران صرفاً بر پایه عوامل مادی، تهدیدات خارجی یا الزامات ژئوپلیتیکی قابل تبیین نیست، بلکه در تعامل با مجموعه‌ای از باورها، هنجارها، ارزش‌ها و تجربه‌های تاریخی نخبگان سیاسی و نظامی شکل گرفته و جهت یافته است. پژوهش با بهره‌گیری از روش کیفی و رویکرد توصیفی - تحلیلی و تاریخی - سیاسی انجام شده و داده‌ها از طریق منابع کتابخانه‌ای، اسناد رسمی، مقالات علمی و گزارش‌های معتبر گردآوری و تحلیل شده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مؤلفه‌هایی همچون تجربه جنگ تحمیلی، استقلال‌طلبی، خوداتکایی، ادراک مستمر تهدید، گفت‌وگو، مقاومت، بی‌اعتمادی نسبت به قدرت‌های خارجی و ضرورت ایجاد بازدارندگی، هسته اصلی فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران در دوره مورد بررسی را شکل داده‌اند. این مؤلفه‌ها در سیاست‌های دفاعی کشور در قالب بازسازی توان دفاعی، توسعه صنایع دفاعی، تقویت توان موشکی، گسترش بازدارندگی، تأکید بر دفاع همه‌جانبه و توجه به محیط امنیتی منطقه‌ای نمود یافته‌اند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که اگرچه فرهنگ راهبردی ایران در این دوره از هسته‌ای نسبتاً پایدار برخوردار بوده، اما شیوه‌های بروز آن در سیاست‌های دفاعی متناسب با تحولات منطقه‌ای، فشارهای بین‌المللی، تحریم‌ها و تغییر ماهیت تهدیدات دچار تحول شده است. بر این اساس، سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران از مرحله بازسازی پس از جنگ به سمت الگویی مبتنی بر بازدارندگی چندلایه، خوداتکایی فناورانه و انطباق با تهدیدات ترکیبی در محیط امنیتی منطقه‌ای حرکت کرده است. در مجموع، فرهنگ راهبردی را می‌توان یکی از عوامل مهم در تبیین استمرار و تحول سیاست‌های دفاعی جمهوری اسلامی ایران در دوره زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۸ دانست.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ راهبردی، سیاست دفاعی، جمهوری اسلامی ایران، بازدارندگی، خوداتکایی دفاعی.

دوره ۸، شماره ۳، پیاپی ۳۰

پاییز ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۸/۰۶

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۹/۲۹

صص: ۴۳۲-۴۰۳

شاپا چاپی: ۴۵۶۵-۲۵۸۸

الکترونیکی: ۳۸۱-۰۳۸۱-۲۷۱۷



۱. استادیار گروه معارف اسلامی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

ali.eskandari1406@gmail.com

مقدمه

سیاست دفاعی یکی از مهم‌ترین حوزه‌های تصمیم‌گیری در نظام‌های سیاسی به شمار می‌آید؛ زیرا با امنیت ملی، حفظ تمامیت ارضی، استقلال سیاسی و بقای دولت‌ها ارتباط مستقیم دارد. دولت‌ها در تدوین سیاست‌های دفاعی خود صرفاً به توان نظامی، امکانات مادی یا الزامات ژئوپلیتیکی تکیه نمی‌کنند، بلکه این سیاست‌ها تحت تأثیر مجموعه‌ای از تجربه‌های تاریخی، ادراکات تهدید، باورهای نخبگان و ارزش‌های حاکم بر نظام سیاسی شکل می‌گیرد. از این رو، سیاست دفاعی را می‌توان بازتابی از نوع نگاه یک کشور به امنیت، تهدید، قدرت و محیط پیرامونی دانست.

در این میان، مفهوم «فرهنگ راهبردی» چارچوبی تحلیلی برای فهم عمیق‌تر رفتار امنیتی و دفاعی دولت‌ها فراهم می‌کند. فرهنگ راهبردی به مجموعه‌ای از باورها، هنجارها، ارزش‌ها و تجربه‌های تاریخی اشاره دارد که در طول زمان در ذهنیت نخبگان سیاسی و نظامی یک کشور شکل می‌گیرد و بر نحوه تعریف تهدید، انتخاب راهبردهای دفاعی و الگوهای واکنش به محیط امنیتی اثر می‌گذارد. بر اساس این رویکرد، تصمیمات دفاعی تنها حاصل محاسبات مادی یا فشارهای خارجی نیست، بلکه در بستر برداشت‌های تاریخی و هنجاری از امنیت و قدرت شکل می‌گیرد. از این منظر، بررسی فرهنگ راهبردی امکان فهم سیاست‌های دفاعی را فراتر از واکنش‌های مقطعی و کوتاه‌مدت فراهم می‌سازد.

در جمهوری اسلامی ایران، پیوند میان فرهنگ راهبردی و سیاست دفاعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ایران در محیطی امنیتی قرار دارد که با مجموعه‌ای از رقابت‌های ژئوپلیتیکی، تهدیدات منطقه‌ای، فشارهای فرامنطقه‌ای و تحولات مستمر امنیتی همراه بوده است. علاوه بر این، تجربه انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی، تحریم‌های تسلیحاتی و حضور قدرت‌های خارجی در منطقه، نقش مهمی در شکل‌گیری برداشت‌های راهبردی نخبگان سیاسی و نظامی کشور از امنیت و دفاع ایفا کرده است. در نتیجه، سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران را نمی‌توان صرفاً بر اساس عوامل مادی یا واکنش به تهدیدات خارجی تبیین کرد، بلکه باید آن را در چارچوب مجموعه‌ای از ارزش‌ها و تجربه‌های تاریخی همچون استقلال‌طلبی، خوداتکایی دفاعی، مقاومت و ضرورت ایجاد بازدارندگی مورد بررسی قرار داد.

دوره پس از جنگ تحمیلی، یعنی فاصله سال‌های ۱۳۳۸ تا ۱۳۹۸، یکی از مهم‌ترین مقاطع برای مطالعه رابطه میان فرهنگ راهبردی و سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. پایان

جنگ تحمیلی آغاز مرحله‌ای تازه در بازسازی توان دفاعی، بازتعریف تهدیدات و تنظیم جهت‌گیری‌های دفاعی کشور بود. تجربه جنگ در حافظه امنیتی جمهوری اسلامی ایران نقش مهمی ایفا کرد و مفاهیمی مانند استقلال دفاعی، اتکا به ظرفیت‌های داخلی، آمادگی مستمر و بازدارندگی را در ذهنیت راهبردی کشور تقویت کرد. این تجربه تاریخی در سال‌های بعد در سیاست‌های دفاعی کشور بازتاب یافت و در قالب توسعه صنایع دفاعی، تقویت توان موشکی، تأکید بر دفاع همه‌جانبه و تلاش برای ایجاد بازدارندگی نمود پیدا کرد.

با وجود اهمیت این موضوع، بخش قابل توجهی از مطالعات مربوط به سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران بیشتر بر عوامل بیرونی مانند تهدیدات منطقه‌ای، رقابت‌های قدرت، تحریم‌ها یا توانمندی‌های نظامی تمرکز داشته‌اند. در حالی که برای درک جامع‌تر سیاست دفاعی ایران، بررسی نقش عوامل هنجاری، تاریخی و ذهنی در شکل‌گیری تصمیمات دفاعی نیز ضروری است. مفهوم فرهنگ راهبردی این امکان را فراهم می‌کند که سیاست دفاعی ایران نه صرفاً به‌عنوان واکنش به تهدیدات خارجی، بلکه به‌عنوان برآیند تجربه تاریخی و برداشت‌های راهبردی نخبگان سیاسی و نظامی تحلیل شود.

بر این اساس، پرسش اصلی این مقاله آن است که فرهنگ راهبردی چه نقشی در شکل‌دهی و تحول سیاست‌های دفاعی جمهوری اسلامی ایران در فاصله سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۸ داشته است. هدف پژوهش تبیین مؤلفه‌های اصلی فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران و بررسی نحوه بازتاب آنها در جهت‌گیری‌ها و سیاست‌های دفاعی کشور در دوره پس از جنگ تحمیلی است. مقاله حاضر با بهره‌گیری از رویکردی توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی، تلاش می‌کند پیوند میان فرهنگ راهبردی و سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران را در این دوره زمانی مورد بررسی قرار دهد.

چارچوب نظری پژوهش

این پژوهش با تکیه بر نظریه فرهنگ راهبردی آلیستر آیین جانستون، به تبیین نسبت میان فرهنگ راهبردی و سیاست‌های دفاعی جمهوری اسلامی ایران در فاصله سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۸ می‌پردازد. در این چارچوب، سیاست دفاعی نه صرفاً محصول موازنه مادی قدرت، تهدیدات بیرونی یا محاسبات

ابزاری، بلکه برآیند مجموعه‌ای از مفروضات هنجاری، تجربه‌های تاریخی و برداشت‌های نهادی نخبگان از محیط امنیتی تلقی می‌شود. به بیان دیگر، فرهنگ راهبردی به مثابه متغیر تبیینی، دامنه گزینه‌های مشروع و قابل انتخاب در سیاست دفاعی را تعریف و رتبه‌بندی می‌کند.

۱. نظریه فرهنگ راهبردی جانستون

جانستون فرهنگ راهبردی را «نظامی نسبتاً پایدار از نمادها، روایت‌ها، قیاس‌های تاریخی و الگوهای استدلالی» می‌داند که در طول زمان در ذهن نخبگان سیاسی - نظامی تثبیت می‌شود و برداشت آنان از امنیت، تهدید، جنگ و کاربست قدرت را شکل می‌دهد (Johnston, 1995: 46-48). از نظر او، فرهنگ راهبردی صرفاً مجموعه‌ای از نگرش‌های عمومی نیست، بلکه دارای ساختار درونی است و از طریق صورت‌بندی معنایی محیط امنیتی، بر ترجیحات راهبردی اثر می‌گذارد.

در این نظریه، دو سطح تحلیلی قابل تفکیک است: نخست، «الگوی مرکزی» که شامل مفروضات بنیادین درباره ماهیت محیط امنیتی، تصویر دشمن، جایگاه تعارض در سیاست و نقش قدرت نظامی در تأمین امنیت است؛ دوم، «ترجیحات راهبردی رتبه‌بندی‌شده» که به گزینه‌های دفاعی معتبر و مشروع در ذهن نخبگان اشاره دارد. فرهنگ راهبردی ابتدا جهان امنیتی را معنا می‌کند و سپس دامنه انتخاب‌های قابل قبول را محدود یا تقویت می‌سازد. بر این اساس، سیاست دفاعی نه صرفاً واکنشی به محرک‌های بیرونی، بلکه نتیجه تفسیر نخبگان از محیط در پرتو مفروضات هنجاری و تاریخی است.

کاربست این چارچوب در مورد جمهوری اسلامی ایران مستلزم شناسایی مفروضات مرکزی فرهنگ راهبردی و سپس ردیابی ترجمه آن مفروضات به سیاست‌ها و ابزارهای دفاعی در دوره پس از جنگ تحمیلی است.

۲. شکل‌گیری الگوی مرکزی فرهنگ راهبردی ایران

فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران از ترکیب سه منبع عمده شکل گرفته است: (۱) تجربه تاریخی و به‌ویژه جنگ تحمیلی؛ (۲) ارزش‌ها و مبانی هنجاری انقلاب اسلامی؛ و (۳) الزامات ژئوپلیتیکی و امنیتی محیط پیرامونی. مطالعات داخلی نیز بر چندبعدی بودن این فرهنگ تأکید دارند. موسوی فرهنگ راهبردی ایران را مجموعه‌ای از مختصات رفتاری و امنیتی می‌داند که در سیاست دفاعی - امنیتی کشور قابل مشاهده است (موسوی، ۱۴۰۱: ۴۹-۵۳). در سطح حقوقی - نهادی نیز

اصول قانون اساسی درباره استقلال، نفی سلطه و سازمان دفاعی کشور (اصول ۱۴۳، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۳ و ۱۷۶) چارچوبی هنجاری برای تثبیت این مفروضات فراهم کرده‌اند.

۳. از مفروضات مرکزی تا ترجیحات راهبردی

بر مبنای نظریه جانستون، مفروضات مرکزی زمانی اهمیت تحلیلی می‌یابند که به ترجیحات راهبردی مشخص تبدیل شوند. در مورد ایران، مفروضاتی چون ادراک پایدار از تهدید، استقلال‌طلبی، بی‌اعتمادی راهبردی و فرهنگ مقاومت، به مجموعه‌ای از اولویت‌های دفاعی انجامیده‌اند که در اسناد و سیاست‌های رسمی بازتاب یافته‌اند.

در این چارچوب، می‌توان چند سازوکار انتقال از فرهنگ به سیاست را شناسایی کرد: تبدیل تجربه تاریخی به ادراک تهدید: جنگ تحمیلی و فشار خارجی به برداشت چندبعدی از تهدید انجامیده است. (Levinson, & Gergiieva, 2021)

تبدیل ادراک تهدید به اولویت دفاعی: تهدیدمحوری به تقویت آمادگی، بازدارندگی و چندلایه‌سازی ابزارهای دفاعی انجامیده است (قیصری و خضری، ۱۳۹۵).

تبدیل ارزش استقلال به سیاست خوداتکایی: استقلال هنجاری به توسعه صنایع دفاعی و کاهش وابستگی ترجمه شده است.

تبدیل فرهنگ مقاومت به راهبرد بازدارندگی: مقاومت به‌عنوان ارزش، در قالب بازدارندگی پایدار و فعال نهادینه شده است. (شریعتی و نعمت‌پور، ۱۴۰۲)

۴. بازدارندگی به مثابه تجلی فرهنگ راهبردی

بازدارندگی در سیاست دفاعی ایران را می‌توان مهم‌ترین نمود عملی فرهنگ راهبردی پساجنگ دانست. بازدارندگی در این چارچوب، صرفاً انباشت تسلیحات نیست، بلکه ترکیبی از توان مادی، اراده سیاسی و مشروعیت هنجاری است. در سطح بین‌المللی، پژوهش‌هایی چون اسلامی و ویرا نشان می‌دهد که رفتار موشکی ایران در چارچوب فرهنگ راهبردی و اصول هنجاری معنا می‌یابد. ریورا نیز «فرهنگ مقاومت» را عامل اثرگذار بر رفتار منطقه‌ای ایران می‌داند (Rivera, 2022). این مطالعات نشان می‌دهد که بازدارندگی ایران از یک منطق صرفاً مادی تبعیت نمی‌کند، بلکه در بستر فرهنگ راهبردی خاصی عمل می‌کند.

۵. خوداتکایی و توسعه صنایع دفاعی

خوداتکایی دفاعی به عنوان ترجمه عملی استقلال، از تجربه محدودیت تسلیحاتی در جنگ و تحریم‌های پساجنگ تغذیه کرده است (قیصری و خضری، ۱۳۹۵: ۶۵-۶۷). توسعه صنایع دفاعی و فناوری بومی نه تنها ابزار دفاعی تولید کرده، بلکه اختیار راهبردی کشور را افزایش داده است. از منظر فرهنگ راهبردی، صنایع دفاعی صرفاً ابزار صنعتی نیستند؛ نماد استقلال و کاهش آسیب‌پذیری راهبردی‌اند. این امر نشان می‌دهد که ترجیحات راهبردی در ایران از مفروضات هنجاری جدا نیستند، بلکه در امتداد آنها عمل می‌کنند.

۶. پویایی در عین ثبات

یکی از نکات مهم در کاربست نظریه جانستون، توجه به ثبات نسبی فرهنگ راهبردی در کنار امکان تحول در شیوه‌های بروز آن است. در ایران، مفروضات مرکزی مانند استقلال، مقاومت و تهدیدمحوری استمرار یافته‌اند، اما ابزارهای تحقق آنها متناسب با تحولات محیط امنیتی تغییر کرده‌اند. توسعه دفاع سایبری نمونه‌ای از این تحول است که همچنان در چارچوب استقلال و مقابله با نفوذ خارجی معنا می‌یابد.

بر اساس چارچوب نظری فرهنگ راهبردی جانستون، سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران در دوره ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۸ را می‌توان نتیجه تعامل میان مفروضات مرکزی (ادراک تهدید، استقلال‌طلبی، مقاومت و بی‌اعتمادی راهبردی) و ترجیحات راهبردی (بازدارندگی، خوداتکایی، توسعه صنایع دفاعی، آمادگی پایدار و چندلایه‌سازی ابزارهای دفاعی) دانست. تجربه جنگ تحمیلی به هسته مرکزی فرهنگ راهبردی تبدیل شد و از طریق سازوکارهایی چون تبدیل تجربه به ادراک تهدید و تبدیل ارزش استقلال به خوداتکایی، در سیاست دفاعی بازتاب یافت.

در این چارچوب، استمرار سیاست‌های دفاعی ایران نه صرفاً ناشی از ثبات تهدیدات، بلکه نتیجه پایداری مفروضات فرهنگی است؛ و تحول ابزارها و روش‌ها نیز بازتاب انطباق همان مفروضات با محیط امنیتی متغیر است. بدین ترتیب، نظریه فرهنگ راهبردی امکان تبیین هم‌زمان استمرار و تحول در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران را فراهم می‌سازد و نشان می‌دهد که این سیاست در پیوندی وثیق با تجربه تاریخی و نظام معنایی حاکم بر نخبگان سیاسی - نظامی کشور شکل گرفته است.

روش اجرای پژوهش

این پژوهش از نوع کیفی و با رویکرد توصیفی - تحلیلی و تاریخی - سیاسی انجام شده است. هدف آن تبیین نقش فرهنگ راهبردی در شکل‌دهی و تحول سیاست‌های دفاعی جمهوری اسلامی ایران در فاصله سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۸ است. با توجه به ماهیت موضوع، که ناظر بر بررسی باورها، هنجارها، ارزش‌ها و تجربه‌های تاریخی نخبگان سیاسی و نظامی و بازتاب آنها در سیاست‌های دفاعی کشور است، روش تحقیق بر تحلیل متون و اسناد استوار است. گردآوری داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی انجام شده است. منابع مورد استفاده شامل کتاب‌ها و مقالات علمی فارسی و انگلیسی، پایان‌نامه‌های مرتبط، قوانین و اسناد رسمی منتشرشده، سیاست‌های دفاعی اعلامی، مواضع و دیدگاه‌های نخبگان سیاسی و نظامی، و گزارش‌های معتبر مرتبط با فرهنگ راهبردی و سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران است. در انتخاب منابع، معیارهایی همچون اعتبار علمی، ارتباط مستقیم با موضوع، روزآمدی در بخش پیشینه پژوهش و تناسب با بازه زمانی مورد مطالعه (۱۳۶۸-۱۳۹۸) لحاظ شده است. در بخش اسنادی، تمرکز پژوهش بر اسناد و منابعی بوده که امکان شناسایی پیوند میان مؤلفه‌های فرهنگ راهبردی و جهت‌گیری‌های سیاست دفاعی را فراهم می‌کنند. این اسناد شامل قانون اساسی، اسناد بالادستی در دسترس عموم، مواضع رسمی منتشرشده، سخنان و دیدگاه‌های نخبگان اثرگذار و مطالعات علمی مرتبط با مفاهیمی نظیر بازدارندگی، خوداتکایی دفاعی، ادراک تهدید و امنیت ملی است. تحلیل صرفاً بر پایه منابع قابل دسترس و ارجاع‌پذیر انجام شده و از داده‌های محرمانه یا غیرقابل دسترس استفاده نشده است.

روش تحلیل داده‌ها مبتنی بر تحلیل محتوای کیفی و تحلیل تاریخی - تفسیری است. در گام نخست، مؤلفه‌های اصلی فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران - از جمله تجربه جنگ تحمیلی، استقلال‌طلبی، خوداتکایی، بازدارندگی، ادراک تهدید، مقاومت و بی‌اعتمادی نسبت به قدرت‌های خارجی - از طریق کدگذاری و استخراج مفاهیم کلیدی از متون و اسناد شناسایی شده‌اند. در گام بعد، نحوه بازتاب این مؤلفه‌ها در سیاست‌های دفاعی کشور، از جمله در جهت‌گیری‌های کلان دفاعی، توسعه توانمندی‌های دفاعی، منطق بازدارندگی و مواجهه با تهدیدات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، مورد بررسی قرار گرفته است. به منظور درک دقیق‌تر استمرار و تحول، دوره زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۸ به صورت مرحله‌مند تحلیل شده است تا تغییرات محیط امنیتی و تأثیر آن بر بروز مؤلفه‌های فرهنگ راهبردی

در سیاست دفاعی مشخص شود. برای افزایش اعتبار یافته‌ها، از مقایسه میان منابع مختلف، ارجاع‌دهی دقیق، و تفکیک داده‌های اسنادی از تحلیل تفسیری پژوهشگر استفاده شده است.

عوامل استمرار و تغییر در فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران پس از ۱۳۶۸ و پیامدهای

آن در سیاست دفاعی

فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران پس از سال ۱۳۶۸، واجد دو ویژگی هم‌زمان و به‌ظاهر متضاد بوده است: از یک‌سو، تداوم هسته‌های معنایی و ارزشی ثابت همچون استقلال، خوداتکایی، مقاومت، تهدیدمحوری و بازدارندگی؛ و از سوی دیگر، تحول در ابزارها، حوزه‌ها و شیوه‌های تحقق سیاست دفاعی. این دو روند، نه در تعارض با یکدیگر، بلکه در پیوندی دیالکتیکی با هم عمل کرده‌اند. به بیان دیگر، فرهنگ راهبردی ایران در سه دهه پس از جنگ تحمیلی، ضمن حفظ بنیان‌های هویتی خود، در برابر تحولات محیطی، فناوری‌های نو، فشارهای خارجی و تهدیدات منطقه‌ای، صورتی تازه یافته و در قالب دفاع چندلایه، منطقه‌ای، شبکه‌ای و سایبری بازتولید شده است.

برای فهم این استمرار و تغییر، باید به مجموعه‌ای از عوامل تاریخی، هویتی، نهادی، داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی توجه کرد. در واقع، فرهنگ راهبردی تنها محصول یک عامل یا یک دوره تاریخی نیست، بلکه برآیند انباشتی از تجربه جنگ، ادراک نخبگان، نهادسازی دفاعی، ارزش‌های انقلاب اسلامی، تحریم‌ها، بحران‌های پیرامونی و تغییر ماهیت تهدیدات است. از این منظر، سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران را نمی‌توان صرفاً به‌مثابه واکنشی مادی به تهدیدات خارجی تحلیل کرد، بلکه باید آن را بازتابی از یک نظام معنایی پایدار دانست که در طول زمان، خود را با شرایط جدید تطبیق داده است. (قنبرلو، ۱۳۹۱: ۴۴-۴۲)

تداوم اثر جنگ تحمیلی در حافظه راهبردی

مهم‌ترین عامل استمرار فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران، بی‌تردید تجربه جنگ تحمیلی است. جنگ، نه فقط یک رویداد نظامی، بلکه یک تجربه بنیان‌گذار در حافظه راهبردی کشور بود. این تجربه، دولت و نخبگان سیاسی - نظامی را با واقعیت تهدید عریان، محدودیت‌های تسلیحاتی، ضعف زیرساخت دفاعی، و نقش تعیین‌کننده آمادگی و انسجام ملی روبه‌رو ساخت. از همین‌رو، جنگ تحمیلی در گذر زمان به الگویی برای تصمیم‌گیری دفاعی تبدیل شد؛ الگویی که بر ضرورت

هوشیاری دائمی، بازسازی توان دفاعی، جبران شکاف تجهیزاتی و اجتناب از غفلت راهبردی تأکید دارد. این حافظه تاریخی سبب شد که دفاع در جمهوری اسلامی ایران، نه امری مقطعی و واکنشی، بلکه برنامه‌ای مستمر و بلندمدت تلقی شود. (علایی، ۱۴۰۰: ۵۱-۴۹)

در نتیجه، می‌توان گفت که جنگ تحمیلی در فرهنگ راهبردی ایران یک «مرجع تاریخی» ایجاد کرد؛ مرجعی که هم تهدید را معنا می‌کند و هم شیوه پاسخ را. این امر توضیح می‌دهد که چرا حتی در دوران پس از جنگ، با وجود تغییر محیط امنیتی، اصل آمادگی دفاعی و احتیاط راهبردی همچنان در سیاست دفاعی ایران باقی مانده است.

استمرار تجربه تهدید خارجی

عامل مهم دیگر در تداوم فرهنگ راهبردی ایران، استمرار تجربه تهدید خارجی است. در ذهنیت دفاعی جمهوری اسلامی ایران، تهدید همواره چندمنبعی و چندسطحی درک شده است: از حمایت برخی قدرت‌ها از عراق در دوران جنگ گرفته تا فشارهای سیاسی و اقتصادی پس از جنگ، حضور نظامی بیگانگان در منطقه، و سپس تشدید تحریم‌ها و فشارهای فراملی. این تجربه‌ها باعث شده‌اند که امنیت ملی ایران نه به صورت یک حوزه صرفاً نظامی، بلکه به عنوان پیوندی میان امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی و حتی هویتی فهم شود (قیصری و خضری، ۱۳۹۵: ۶۴-۶۰)

در چنین بستری، سیاست دفاعی ایران ناچار است پاسخ‌های ترکیبی ارائه دهد: آمادگی نظامی، تقویت بازدارندگی، افزایش خوداتکایی، توسعه ظرفیت‌های بومی، و در کنار آن، بهره‌گیری از دیپلماسی امنیتی و مقاومت اقتصادی. این الگو نشان می‌دهد که تهدید خارجی نه تنها موجب واکنش مقطعی نشده، بلکه در درازمدت فرهنگ امنیتی و دفاعی کشور را به سمت احتیاط، استقلال و تاب‌آوری بیشتر سوق داده است. به همین دلیل، تهدید در فرهنگ راهبردی ایران فقط یک «خطر بیرونی» نیست، بلکه عنصر سازنده‌ی هویت دفاعی کشور است.

تداوم نگرانی نسبت به آسیب‌پذیری سرزمینی

جنگ تحمیلی و تهدیدات پیرامونی، نگرانی نسبت به آسیب‌پذیری سرزمینی را نیز در فرهنگ راهبردی ایران تثبیت کرده است. این نگرانی، تنها محدود به مرزهای زمینی نبوده، بلکه ابعاد هوایی، موشکی و دریایی را نیز در بر گرفته است. تجربه جنگ نشان داد که تهدید علیه ایران می‌تواند از

مسیرهای مختلف و در قالب‌های متنوعی رخ دهد؛ از این‌رو، سیاست دفاعی کشور به سمت توسعه توان‌های چندلایه حرکت کرد. (قیصری و خضری، ۱۳۹۵: ۵۷)

در همین راستا، توجه به دفاع زمینی، پدافند هوایی، توان موشکی و دفاع دریایی بخشی از راهبرد کلان برای کاهش آسیب‌پذیری سرزمینی بوده است. این روند نشان می‌دهد که فرهنگ راهبردی ایران نه تنها تهدید را در سطح کلی درک کرده، بلکه به‌طور عملی در پی کاهش نقاط ضعف جغرافیایی و عملیاتی کشور نیز بوده است. در دوره‌های بعدی، این نگرانی با تهدیدات غیرمستقیم، فرامرزی و نیابتی نیز پیوند خورده و دامنه آن گسترده‌تر شده است.

استمرار ارزش استقلال دفاعی

استقلال دفاعی یکی از شاخص‌های بنیادی فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران است. این ارزش، ریشه در تجربه تاریخی وابستگی، جنگ، و فشارهای خارجی دارد و به تدریج به معیاری برای سنجش کفایت سیاست دفاعی تبدیل شده است. استقلال دفاعی در جمهوری اسلامی ایران به معنای توان تصمیم‌گیری، طراحی، تولید، آموزش و پشتیبانی بدون اتکا به تأمین خارجی است. از همین رو، خوداتکایی فناورانه و صنعتی، یکی از اصلی‌ترین ترجمه‌های عملی این اصل محسوب می‌شود. (دهقانی فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۹۷/۱۳۹۸)

در واقع، استقلال در اینجا فقط یک شعار سیاسی نیست، بلکه یک منطق دفاعی است که در سیاست‌گذاری نظامی و فناورانه ایران حضور دارد. توسعه صنایع دفاعی داخلی، تقویت چرخه بومی طراحی و تولید تجهیزات، و کاهش وابستگی به خارج، همه در امتداد همین ارزش قرار می‌گیرند. از این منظر، فرهنگ راهبردی ایران استقلال را نه فقط به عنوان یک خواست هویتی، بلکه به عنوان شرط بقا و امنیت تلقی می‌کند.

تداوم اهمیت مقاومت

مقاومت یکی دیگر از مؤلفه‌های پایدار فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران است. مقاومت در اینجا صرفاً به معنای ایستادگی نظامی نیست، بلکه مفهومی چندبعدی است که حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و دفاعی را دربر می‌گیرد. مقاومت به تقویت تاب‌آوری ملی، اراده جمعی، حفظ مشروعیت دفاعی و کاهش آسیب‌پذیری در برابر فشارهای بیرونی کمک می‌کند. همچنین، این مفهوم

در سطح منطقه‌ای به یکی از زبان‌های اصلی راهبردی ایران تبدیل شده است. (ترابی و رضایی، ۱۳۹۰: ۱۵۷-۱۳۵)

مقاومت در سیاست دفاعی ایران نقش یک حلقه پیونددهنده میان ارزش‌های انقلاب اسلامی، تجربه جنگ و الزامات ژئوپلیتیکی را ایفا می‌کند. از این رو، نه تنها در ادبیات رسمی و سیاسی کشور، بلکه در تولید راهبردهای دفاعی و منطقه‌ای نیز حضوری مؤثر دارد. به بیان دیگر، مقاومت در فرهنگ راهبردی ایران یک اصل هنجاری است که به راهبرد تبدیل شده است.

نقش ارزش‌های انقلاب اسلامی

فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران به‌طور عمیق با ارزش‌های انقلاب اسلامی گره خورده است. استقلال سیاسی، عدالت‌خواهی، نفی سلطه، و صیانت از هویت نظام سیاسی، از مفاهیمی هستند که امنیت و دفاع را از سطح حفاظت فیزیکی فراتر برده و به سطح پاسداری از یک مسیر تاریخی و ایدئولوژیک ارتقا داده‌اند. (سلیمی و حجازی، ۱۳۹۹: ۴۲-۴۵) بر این اساس، دفاع در جمهوری اسلامی ایران نه تنها از مرزها و منافع مادی، بلکه از هویت سیاسی نظام نیز حفاظت می‌کند. همین امر موجب شده است که سیاست دفاعی کشور، به‌ویژه در حوزه‌های راهبردی و بازدارنده، رنگ‌وبوی ارزشی و هویتی پیدا کند. در چنین چارچوبی، دفاع بخشی از پروژه استمرار انقلاب و حفظ استقلال سیاسی کشور است.

جایگاه استقلال‌طلبی و بی‌اعتمادی راهبردی

استقلال‌طلبی در سیاست دفاعی ایران، در عمل با بی‌اعتمادی راهبردی نسبت به قدرت‌های خارجی پیوند خورده است. تجربه مداخله‌های خارجی، فشارهای سیاسی، خروج آمریکا از برجام، و استمرار تحریم‌ها، این بی‌اعتمادی را تقویت کرده است. در نتیجه، نخبگان سیاسی و نظامی ایران در تعامل با قدرت‌های خارجی، بیش از هر چیز بر اتکا به ظرفیت‌های درونی و تضمین‌های داخلی تأکید دارند. (بطلانی اصفهانی و خدابخشی، ۱۴۰۴: ۱۰-۹) این بی‌اعتمادی نه یک امر صرفاً روان‌شناختی، بلکه نتیجه‌ی انباشت تاریخی تجربه‌های سیاسی و امنیتی است. به همین دلیل، سیاست دفاعی ایران در پی ایجاد سازوکارهایی است که وابستگی به تعهدات بیرونی را کاهش دهد و توان بومی را محور قرار دهد. این امر یکی از مهم‌ترین وجوه استمرار فرهنگ راهبردی ایران در دوره پس از جنگ است.

پیوند هویت سیاسی نظام با دفاع

در جمهوری اسلامی ایران، دفاع با هویت سیاسی نظام و بقای آن پیوندی وثیق دارد. دفاع از این منظر، نه فقط محافظت از مرزها، بلکه صیانت از ساخت سیاسی، استقلال تصمیم‌گیری، و امنیت جامعه است. این پیوند، در اسناد رسمی، ادبیات سیاسی و راهبردهای امنیتی کشور به‌وضوح قابل مشاهده است (موسوی، ۱۴۰۱: ۵۳-۳۳). در واقع، دفاع در جمهوری اسلامی ایران بخشی از هویت سیاسی - تاریخی نظام است. به همین دلیل، هرگونه تهدید نظامی یا امنیتی، به‌مثابه تهدیدی علیه ساخت سیاسی و هویت انقلابی نیز فهم می‌شود. همین امر نقش بنیادینی در استمرار فرهنگ راهبردی کشور دارد.

مشروعیت دفاع و نقش ارزش‌های دینی

مشروعیت دفاع در جمهوری اسلامی ایران از ترکیب ارزش‌های دینی، سیاسی و تاریخی حاصل می‌شود. دفاع مشروع به معنای دفاع از استقلال، جلوگیری از سلطه، و حمایت از مستضعفان است. افزون بر این، در حوزه‌هایی همچون بازدارندگی موشکی نیز مفاهیم فقهی و اصول دینی مانند مصلحت، اضطرار، دفع ضرر و نفی سبیل، زمینه مشروعیت‌بخش دارند (قیصری و خضری، ۱۳۹۵: ۵۷). از این‌رو، سیاست دفاعی ایران نه تنها از نظر راهبردی، بلکه از نظر هنجاری نیز در چارچوبی مشروع تعریف می‌شود. این مشروعیت، به تداوم و پایداری آن کمک کرده و فرهنگ راهبردی را در سطح گفتمانی تثبیت نموده است.

نقش نهادهای دفاعی و نیروهای مسلح

نهادهای دفاعی در جمهوری اسلامی ایران نقش مهمی در تثبیت و بازتولید فرهنگ راهبردی داشته‌اند. این نهادها تجربه جنگ تحمیلی را از سطح حافظه تاریخی به سطح برنامه، آموزش، ساختار و سیاست دفاعی منتقل کرده‌اند. در عین حال، همین نهادها زمینه‌ساز سازگاری با تحولات جدید، از جمله دفاع سایبری، پهپادی و پدافند نوین بوده‌اند. (علایی، ۱۴۰۰: ۵۸) نیروهای مسلح، به‌ویژه در دوره پس از جنگ، حافظه تاریخی جنگ را به آمادگی سازمانی و توسعه الگوهای دفاعی تبدیل کرده‌اند. توسعه توان موشکی، پهپادی، پدافندی و سایبری، نمونه‌هایی از ترجمه این حافظه به ظرفیت‌های عینی است. (یوسف‌وند و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۸-۵۵)

نقش اسناد کلان و نخبگان سیاسی

اسناد کلان و سیاست‌های رسمی نیز نقش مهمی در استمرار فرهنگ راهبردی دارند. قانون اساسی، سیاست‌های کلی نظام، سند چشم‌انداز و بیانیه گام دوم انقلاب، همگی مفاهیمی چون استقلال، اقتدار ملی، امنیت پایدار، توسعه علمی و جایگاه منطقه‌ای را تثبیت کرده‌اند. (قصری و خضری، ۱۳۹۵: ۶۸-۵۷) در سطح نخبگی نیز، بازتعریف تهدید و فرصت، متناسب با تغییرات محیطی، در استمرار یا تحول فرهنگ راهبردی نقش اساسی داشته است. بحران‌ها، تحریم‌ها، پرونده هسته‌ای، تهدیدات سایبری و جنگ‌های منطقه‌ای، ادراک امنیتی نخبگان را تغییر داده و به‌تدریج به اصلاح یا گسترش سیاست دفاعی منجر شده‌اند. (بدخشان و همکاران، ۱۴۰۱: ۹۰، ۱۹۰)

عوامل داخلی تغییر فرهنگ راهبردی

در کنار تداوم هسته‌های اصلی، فرهنگ راهبردی ایران در طول زمان دچار تحول نیز شده است. یکی از عوامل مهم این تحول، بازسازی پس از جنگ بود. دوران بازسازی، دفاع را از سطح دفاع میدانی و فوری به سطح برنامه‌ریزی بلندمدت، توسعه صنعتی، آموزش نیروی انسانی و ایجاد زیرساخت‌های پایدار منتقل کرد. (علایی، ۱۴۰۰: ۴۴)

همچنین، رشد توان علمی و صنعتی دفاعی، سبب شد که خوداتکایی از یک ارزش نظری به یک توان واقعی تبدیل شود. دانشگاه، صنعت و نهادهای نظامی در کنار هم، ظرفیت‌هایی را ایجاد کردند که امکان تولید بومی تجهیزات و فناوری‌های دفاعی را فراهم ساختند. (نجفی و همکاران، ۱۴۰۲: ۸۹-۸۲)

افزون بر این، تغییر ماهیت تهدیدات از جنگ کلاسیک به تهدیدات سایبری، اطلاعاتی، شبکه‌ای و نامتقارن، دفاع ایران را به سمت ابزارهای نوین سوق داده است. پاسخ به این تهدیدات، توسعه موشکی، پهپادی، پدافندی و سایبری بوده است. (Serscikov, 2025)

عوامل منطقه‌ای و بین‌المللی تغییر

محیط منطقه‌ای و بین‌المللی نیز در تحول فرهنگ راهبردی ایران نقش تعیین‌کننده داشته است. جنگ خلیج فارس، حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای، حمله آمریکا به افغانستان و عراق، بی‌ثباتی عراق، بحران سوریه، ظهور داعش، و رقابت‌های منطقه‌ای، همگی موجب شده‌اند که ایران نگاه خود را از دفاع صرفاً سرزمینی به دفاع منطقه‌ای و عمق راهبردی گسترش دهد (Rivera, 2022؛ ۴۲).

سطح بین‌المللی نیز فشارهای آمریکا و غرب، تحریم‌ها، محدودیت‌های تسلیحاتی و خروج آمریکا از برجام، بی‌اعتمادی راهبردی را تشدید کرده و ایران را به سمت تقویت توان داخلی و افزایش بازدارندگی سوق داده است. (سجادی و حاتمی، ۱۳۹۸: ۷۲، ۸۸)

پیامدهای آن برای سیاست دفاعی

مجموع این عوامل موجب شده است که سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران در دوره پس از ۱۳۶۸، در عین حفظ اصول ثابت، در ابزارها و شیوه‌های اجرایی متحول شود. مهم‌ترین پیامدها عبارت‌اند از: استمرار اصل بازدارندگی در قالب‌های کلاسیک، موشکی، منطقه‌ای، شبکه‌ای و سایبری؛ گسترش خوداتکایی دفاعی؛ توسعه صنایع دفاعی بومی؛ حفظ تهدیدمحوری و آمادگی دائمی؛ تغییر از واکنش پسینی به آمادگی پیشینی؛ و گسترش دفاع به سطح منطقه‌ای و دیپلماسی دفاعی. (شریعتی و نعمت‌پور، ۱۴۰۲: ۹۱، ۲۱۴)

بنابراین، سیاست دفاعی ایران نه سیاستی ایستا، بلکه نظامی پویا و تطبیق‌پذیر است که از هسته‌های ثابت فرهنگی تغذیه می‌کند و در عین حال، در برابر تحولات محیطی به‌روز می‌شود. این امر نشان می‌دهد که فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران، هم استمرار دارد و هم قابلیت تحول؛ اما این تحول، درون چارچوبی ارزشی و هویتی صورت می‌گیرد که از ابتدای جمهوری اسلامی تا امروز، نقش بنیادین خود را حفظ کرده است.

می‌توان گفت فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران پس از ۱۳۶۸ بر سه پایه اصلی استوار بوده است: تجربه جنگ و حافظه تهدید، ارزش‌های انقلاب اسلامی، و الزامات محیط امنیتی داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی. این سه پایه، هسته‌ای نسبتاً پایدار از مفاهیم مانند استقلال، مقاومت، خوداتکایی، بازدارندگی و تهدیدمحوری را شکل داده‌اند. در عین حال، تغییر در فناوری، شکل تهدیدات، تحریم‌ها و بحران‌های منطقه‌ای، موجب شده است که سیاست دفاعی کشور از دفاع کلاسیک به دفاع چندلایه، منطقه‌ای، شبکه‌ای و سایبری ارتقا یابد. از این منظر، استمرار و تغییر در فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران نه یک تناقض، بلکه ویژگی ذاتی آن است. این فرهنگ، در سطح اصول ثابت مانده اما در سطح ابزارها و شیوه‌های تحقق، دگرگون شده است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران در دوره ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۸، محصول تعامل میان حافظه تاریخی،

ارزش‌های هویتی و فشارهای محیطی است؛ تعاملی که در نهایت به شکل‌گیری الگویی بومی، پایدار و متحول از دفاع منجر شده است.

عوامل استمرار و تغییر در فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران پس از ۱۳۶۸ و پیامدهای

آن در سیاست دفاعی

فرهنگ راهبردی یکی از مفاهیم کلیدی برای فهم الگوهای تصمیم‌گیری امنیتی و دفاعی دولت‌هاست. این مفهوم به مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، ادراکات تاریخی، هنجارها و تجربه‌های نهادی اشاره دارد که نحوه تعریف تهدید، فهم منافع ملی، انتخاب ابزارهای قدرت و شیوه اعمال سیاست دفاعی را شکل می‌دهد. در مورد جمهوری اسلامی ایران، فرهنگ راهبردی پس از سال ۱۳۶۸ در وضعیتی میان استمرار و تغییر قرار گرفته است. استمرار از آن جهت که برخی مبانی بنیادین، مانند استقلال‌طلبی، مقاومت، خوداتکایی، تهدیدمحوری و بازدارندگی، همچنان هسته مرکزی اندیشه دفاعی کشور را تشکیل می‌دهند؛ و تغییر از آن جهت که ابزارها، فناوری‌ها، حوزه‌های تهدید و الگوهای کنش دفاعی در پاسخ به محیط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی دگرگون شده‌اند. (علائی، ۱۳۹۵) این دوگانگی ریشه در تجربه تاریخی جمهوری اسلامی ایران دارد. جنگ تحمیلی نه تنها خسارات انسانی و مادی گسترده‌ای بر کشور تحمیل کرد، بلکه به صورت یک «حافظه راهبردی» در ذهن نخبگان سیاسی و دفاعی نهادینه شد و برای دهه‌های بعد، چارچوب اصلی ادراک تهدید را شکل داد. از سوی دیگر، تحریم‌های طولانی‌مدت، فشارهای سیاسی و امنیتی قدرت‌های فرامنطقه‌ای، تحولات ژئوپلیتیکی پیرامون ایران، و پیشرفت فناوری‌های نظامی و اطلاعاتی، سبب شدند که سیاست دفاعی کشور از مدل سنتی و کلاسیک فاصله بگیرد و به سمت دفاع چندلایه، نامتقارن، منطقه‌ای، موشکی و سایبری حرکت کند (Serscikov, 2025).

پرسش اصلی این است که چه عواملی موجب استمرار و چه عواملی موجب تغییر در فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران پس از ۱۳۶۸ شده‌اند و این فرایند چه پیامدهایی برای سیاست دفاعی کشور داشته است. در پاسخ می‌توان گفت که تداوم ارزش‌های انقلابی، تجربه جنگ، آسیب‌پذیری ژئوپلیتیکی، بی‌اعتمادی به قدرت‌های خارجی و نقش نهادهای دفاعی، عناصر ثابت این فرهنگ را تشکیل می‌دهند؛ در حالی که بازسازی پساجنگ، رشد علمی - صنعتی، تغییر ماهیت

تهدیدات، تحولات منطقه‌ای، تحریم‌ها و پرونده هسته‌ای، از عوامل اصلی تغییر محسوب می‌شوند. (Vieira, & Eslami, 2022)

عوامل استمرار در فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران

۱. تجربه جنگ تحمیلی و تثبیت حافظه دفاعی

مهم‌ترین عامل استمرار در فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران، تجربه جنگ تحمیلی است. این جنگ به مثابه یک تجربه بنیادین، نخبگان سیاسی و نظامی کشور را با واقعیت تهدیدی طولانی، فرسایشی و چندبعدی روبه‌رو کرد. ایران در آن دوره با حملات گسترده زمینی، هوایی، دریایی و موشکی مواجه بود و هم‌زمان، با محدودیت تسلیحاتی و انزوای نسبی بین‌المللی دست و پنجه نرم می‌کرد. همین تجربه، ضرورت آمادگی دائمی، اتکا به ظرفیت بومی، احتیاط در محاسبات امنیتی و پیشگیری از غافلگیری را به اصولی ماندگار در فرهنگ راهبردی کشور تبدیل کرد. (ترابی و رضایی، ۱۳۹۰: ۱۵۹)

جنگ تحمیلی در واقع نه صرفاً یک رویداد نظامی، بلکه یک مرجع شناختی برای نسل بعدی سیاست‌گذاران بود. پیام اصلی این تجربه آن بود که امنیت ملی ایران نمی‌تواند بر وعده‌ها و تضمین‌های خارجی بنا شود و تنها راه مطمئن، تکیه بر توان درونی و آمادگی مستمر است. از این‌رو، مفاهیمی مانند «خودکفایی دفاعی»، «آمادگی رزمی»، «بازدارندگی» و «عدم اتکای صرف به متحدان خارجی» به عناصر نهادینه‌شده در ذهنیت راهبردی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شدند. (عالایی، ۱۴۰۰)

۲. تداوم تهدید خارجی و چندلایه شدن مفهوم امنیت

عامل مهم دیگر، استمرار تهدید خارجی است. جمهوری اسلامی ایران در دوره پس از جنگ نیز همواره با انواع فشارها، از تهدید نظامی گرفته تا تحریم اقتصادی، عملیات روانی، فشار سیاسی و محدودسازی فناوریانه مواجه بوده است. در چنین شرایطی، مفهوم امنیت در ایران به تدریج از یک معنای صرفاً نظامی فراتر رفت و به حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فناوریانه نیز تسری یافت. این وضعیت سبب شد که تهدیدمحوری همچنان در کانون سیاست دفاعی باقی بماند. در واقع، جمهوری اسلامی ایران امنیت را نه وضعیتی ایستا، بلکه فرایندی پویا و نیازمند آمادگی دائمی می‌بیند. چنین نگاهی، محصول نوعی تجربه تاریخی است که در آن تهدیدها به صورت مقطعی و محدود ظاهر نشده‌اند، بلکه در طول زمان بازتولید شده و اشکال جدیدی یافته‌اند. از همین‌رو، استمرار تهدید خارجی نه فقط عامل امنیتی، بلکه سازنده فرهنگ راهبردی ایران نیز بوده است. (سلیمی و حجازی، ۱۳۹۹)

۳. آسیب‌پذیری سرزمینی و ضرورت دفاع لایه‌ای

جغرافیای سیاسی ایران و موقعیت حساس آن در غرب آسیا، یکی دیگر از عوامل استمرار است. ایران با مرزهای طولانی، هم‌جواری با مناطق بحرانی، دسترسی به خلیج فارس و تنگه هرمز و قرار گرفتن در یکی از مهم‌ترین مناطق انرژی جهان، همواره با درجه‌ای از آسیب‌پذیری سرزمینی مواجه بوده است. تجربه حملات هوایی و موشکی در جنگ تحمیلی نیز این نگرانی را تشدید کرد و نخبگان دفاعی را به این نتیجه رساند که دفاع کلاسیک و متکی بر مرزهای ثابت، برای چنین محیطی کافی نیست (حسن‌زاده، روان‌بد و زارعی، ۱۳۹۹: ۲۲۰۳-۲۲۱۸). در نتیجه، سیاست دفاعی ایران به سمت توسعه پدافند چندلایه، گسترش توان موشکی، تقویت دفاع دریایی و ایجاد ظرفیت‌های بازدارنده در عمق منطقه‌ای حرکت کرد. این روند نشان می‌دهد که آسیب‌پذیری جغرافیایی، نه تنها تهدیدی پایدار بوده، بلکه یکی از موتورهای شکل‌دهنده به استمرار فرهنگ راهبردی ایران محسوب می‌شود.

۴. ارزش‌های انقلاب اسلامی و پیوند دفاع با هویت

فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران به‌طور جدی تحت تأثیر ارزش‌های انقلاب اسلامی قرار دارد. در این چارچوب، دفاع صرفاً به معنای حفاظت از مرزها یا مقابله با دشمن خارجی نیست، بلکه با مفاهیمی مانند استقلال سیاسی، عدالت‌خواهی، نفی سلطه و صیانت از هویت دینی و انقلابی پیوند خورده است. این پیوند ارزشی موجب شده است که سیاست دفاعی ایران واجد سطحی از مشروعیت هنجاری باشد. در واقع، دفاع در جمهوری اسلامی ایران نه تنها یک ضرورت امنیتی، بلکه یک تکلیف سیاسی و ارزشی نیز تلقی می‌شود. همین امر سبب می‌شود که مفاهیمی چون مقاومت، ایستادگی، عزت‌مندی و استقلال، در ادبیات راهبردی کشور همواره پررنگ باقی بمانند. (سلیمی و حجازی، ۱۳۹۹)

۵. استقلال‌طلبی، خوداتکایی و بی‌اعتمادی راهبردی

یکی از پایدارترین ویژگی‌های فرهنگ راهبردی ایران، استقلال‌طلبی است. این اصل در تجربه تاریخی ایران ریشه دارد؛ تجربه‌ای که در آن مداخلات خارجی، فشارهای قدرت‌های بزرگ و وابستگی‌های سیاسی و نظامی، اغلب با محدود شدن حاکمیت ملی همراه بوده‌اند. پس از انقلاب اسلامی، این گرایش با شدت بیشتری در سیاست دفاعی بازتاب یافت و به اصل «خوداتکایی» تبدیل شد. (دهقان و تیلا، ۱۴۰۰: ۲۵۸) در همین راستا، بی‌اعتمادی راهبردی به قدرت‌های خارجی نیز به‌عنوان یک عنصر ثابت تثبیت شد. حمایت قدرت‌های غربی از عراق در زمان جنگ، تحریم‌های

پس از انقلاب، فشارهای سیاسی و سپس خروج آمریکا از برجام، همگی این باور را تقویت کردند که تضمین‌های بیرونی قابل اتکا نیستند (رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷: ۱۶، ۱۷). بنابراین، اتکا به توان داخلی و ایجاد ظرفیت‌های بومی، نه یک انتخاب مقطعی، بلکه یک اصل دائمی در فرهنگ راهبردی ایران شده است.

۶. نقش نهادهای دفاعی در تداوم فرهنگ راهبردی

علاوه بر عوامل تاریخی و هویتی، نهادهای دفاعی نیز در استمرار این فرهنگ نقش کلیدی داشته‌اند. نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه پس از جنگ، تجربه‌های عملی را به ساختار، آموزش، دکترین و برنامه‌ریزی تبدیل کردند. این نهادها حافظه جنگ را از سطح تجربه فردی به سطح سازمانی و نهادی منتقل کرده‌اند. (قیصری و خضری، ۱۳۹۵: ۷۰-۶۸) از این منظر، استمرار فرهنگ راهبردی فقط محصول حافظه جمعی نیست، بلکه نتیجه فرآیند نهادینه‌سازی نیز هست. هرچه ساختارهای دفاعی بیشتر تثبیت شوند، عناصر پایدار فرهنگ راهبردی نیز بازتولید می‌شوند. به همین دلیل، اسناد بالادستی، سیاست‌های رسمی و راهبردهای کلان دفاعی، نقش مهمی در حفظ و بازتولید اصول اصلی این فرهنگ دارند.

عوامل تغییر در فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران

۱. بازسازی پس از جنگ و نهادینه شدن برنامه‌ریزی بلندمدت

پایان جنگ تحمیلی نقطه آغاز مرحله‌ای جدید در سیاست دفاعی ایران بود. پس از ۱۳۶۸، کشور وارد دوره بازسازی شد؛ دوره‌ای که در آن بازآرایی زیرساخت‌ها، احیای اقتصاد و بازسازی نهادهای نظامی و دفاعی در دستور کار قرار گرفت. این وضعیت سبب شد که نگاه دفاعی از شرایط اضطراری به برنامه‌ریزی بلندمدت و توسعه راهبردی معطوف شود. (علایی، ۱۴۰۰: ۷۰) در این دوره، نیاز به سازماندهی مجدد نیروهای مسلح، تقویت صنایع دفاعی و ایجاد هماهنگی میان حوزه‌های نظامی، علمی و صنعتی به‌شدت احساس شد. بنابراین، اگرچه اصول راهبردی ثابت ماندند، اما شیوه تحقق آن‌ها تغییر کرد. این تغییر یکی از مهم‌ترین نشانه‌های تحول در فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران است.

۲. رشد علمی و صنعتی و گذار از خوداتکایی ارزشی به خوداتکایی توانمند

یکی از مهم‌ترین تحولات داخلی، رشد ظرفیت‌های علمی و صنعتی کشور بود. گسترش دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی و صنایع دفاعی، امکان بومی‌سازی فناوری‌های پیچیده را فراهم کرد و خوداتکایی را از یک شعار یا ضرورت به یک توانمندی عملی بدل ساخت. این تحول در حوزه دفاعی نتایج مشخصی داشت. ایران توانست در زمینه تولید موشک‌های بالستیک، پهپادها، سامانه‌های پدافندی، تجهیزات الکترونیکی و فناوری‌های پشتیبان پیشرفت‌های قابل توجهی به دست آورد. از این رو، فرهنگ راهبردی کشور از سطح «مقاومت در شرایط کمبود» به سطح «تولید قدرت بومی» حرکت کرد. (نجفی و همکاران، ۱۳۹۹).

۳. تحول ماهیت تهدیدات

تهدیدهای امنیتی در دهه‌های اخیر نسبت به گذشته پیچیده‌تر شده‌اند. جنگ‌های کلاسیک جای خود را به تهدیدات ترکیبی، جنگ نیابتی، عملیات سایبری، جنگ اطلاعاتی، خرابکاری فناوریانه و فشارهای شبکه‌ای داده‌اند. جمهوری اسلامی ایران نیز ناگزیر شد که دفاع خود را متناسب با این تغییرات بازتعریف کند. (موسوی و قاسمی، ۱۴۰۳: ۱۹۱-۱۷۵)

در چنین شرایطی، فرهنگ راهبردی ایران از تمرکز صرف بر نبرد متقارن فاصله گرفت و به سمت الگوهای نامتقارن و چندلایه حرکت کرد. این تحول بیانگر آن است که هرچند اصول دفاعی ثابت مانده‌اند، اما شکل سازماندهی دفاع، ابزارهای اجرا و سطح تهدیدشناسی به‌طور جدی دگرگون شده است. (یوسف‌وند و همکاران، ۱۳۹۸)

۴. تحولات منطقه‌ای و ضرورت دفاع در عمق

محیط منطقه‌ای ایران پس از جنگ تحمیلی شاهد مجموعه‌ای از بحران‌های امنیتی بود. جنگ خلیج فارس، حضور مستقیم نیروهای فرامنطقه‌ای در منطقه، حمله آمریکا به افغانستان و عراق، سقوط رژیم بعث، بحران سوریه و ظهور داعش، همگی محیط امنیتی ایران را به شدت متحول کردند. (فیاض فاروجی و همکاران، ۱۴۰۴: ۲۵-۱۵)

این تحولات نشان داد که تهدید علیه ایران می‌تواند از محیط پیرامونی و حتی از بیرون مرزها به داخل منتقل شود. از همین رو، مفهوم «عمق راهبردی» و «دفاع پیش‌دستانه در محیط پیرامونی» اهمیت بیشتری یافت. ایران در واکنش به این شرایط، به جای اتکا به

دفاع خطی، بر مدیریت تهدید در بیرون از مرزها، ایجاد شبکه‌های بازدارنده و تقویت نقش منطقه‌ای خود تمرکز کرد.

۵. تحریم‌ها، محدودیت‌های فناوری و اقتصاد مقاومتی

تحریم‌های خارجی یکی دیگر از عوامل تغییر بودند. این تحریم‌ها اگرچه فشار زیادی بر اقتصاد و دفاع کشور وارد کردند، اما در عمل منجر به تقویت گرایش به خودکفایی و توسعه فناوری بومی شدند. محدودیت در دسترسی به تسلیحات، قطعات و فناوری‌های پیشرفته، ایران را به سمت طراحی و تولید داخلی سوق داد. (سجادی و حاتمی، ۱۳۹۸: ۷۲، ۸۸) در این میان، مفهوم «اقتصاد مقاومتی» نیز نقش مکمل داشت و به‌صورت غیرمستقیم بر سیاست دفاعی اثر گذاشت. زیرا هرچه تاب‌آوری اقتصادی و فناوریانه کشور بیشتر شود، ظرفیت آن برای بازدارندگی و مقابله با فشار خارجی نیز افزایش می‌یابد.

۶. پرونده هسته‌ای و تشدید پیوند میان امنیت و حیثیت ملی

پرونده هسته‌ای یکی از نقاط عطف در پیوند میان امنیت، فناوری و حیثیت ملی ایران بود. این پرونده نشان داد که توسعه فناوری‌های راهبردی، تنها یک موضوع فنی نیست، بلکه به اعتبار ملی، استقلال سیاسی و قدرت چانه‌زنی کشور نیز مربوط می‌شود. در نتیجه، پرونده هسته‌ای به تقویت این باور انجامید که ایران برای حفظ جایگاه خود باید توان بازدارنده، ظرفیت فناوریانه و استقلال تصمیم‌گیری‌اش را حفظ کند. خروج آمریکا از برجام نیز این برداشت را تشدید کرد که تعامل با قدرت‌های خارجی بدون ضمانت‌های واقعی نمی‌تواند مبنای امنیت پایدار باشد.

پیامدهای استمرار و تغییر برای سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران

مجموعه عوامل یادشده موجب شده‌اند که سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران به الگویی خاص و بومی از دفاع و بازدارندگی تبدیل شود. نخستین پیامد، تثبیت بازدارندگی به‌عنوان محور اصلی سیاست دفاعی است. بازدارندگی در ایران تنها به معنای جلوگیری از حمله مستقیم نیست، بلکه شامل ایجاد هزینه بالا برای هرگونه اقدام خصمانه از طریق ظرفیت‌های موشکی، دریایی، سایبری، اطلاعاتی و منطقه‌ای نیز می‌شود. دومین پیامد، گسترش خوداتکایی دفاعی است. تجربه تاریخی و فشارهای خارجی باعث شده است که تولید داخلی، نوآوری دفاعی و استقلال فناوریانه به ارکان اصلی سیاست دفاعی تبدیل شوند. این خوداتکایی تنها در سطح تجهیزات نیست، بلکه در سطح آموزش، سازماندهی، دکترین و پشتیبانی نیز مشاهده می‌شود. سومین پیامد، گذار از دفاع

سرزمینی صرف به دفاع چندلایه، منطقه‌ای و عمق‌محور است. جمهوری اسلامی ایران دریافته است که حفظ امنیت ملی در محیطی ناپایدار، مستلزم حضور فعال در مدیریت تهدیدات پیرامونی، پیشگیری از شکل‌گیری کانون‌های بحران و تقویت شبکه‌های بازدارنده است. چهارمین پیامد، توجه ویژه به جنگ نامتقارن و فناوری‌های نوین است. ایران، به‌ویژه در حوزه موشکی، پهپادی و سایبری، توانسته است به الگویی از بازدارندگی نامتقارن دست یابد که متناسب با محدودیت‌های ساختاری و تهدیدات متنوع محیطی است. پنجمین پیامد، پیوند بیشتر دفاع با هویت سیاسی و مشروعیت نظام است. در جمهوری اسلامی ایران، دفاع صرفاً یک فعالیت نظامی نیست، بلکه بخشی از هویت سیاسی و ارزشی نظام به شمار می‌رود. به همین دلیل، سیاست دفاعی همواره با گفتمان استقلال، مقاومت و عزت‌مندی همراه بوده است. (سلیمی و حجازی، ۱۳۹۹)

بررسی فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران پس از ۱۳۶۸ نشان می‌دهد که این فرهنگ برآیند پیچیده‌ای از استمرار و تغییر است. از یک سو، تجربه جنگ تحمیلی، تهدید خارجی، آسیب‌پذیری جغرافیایی، ارزش‌های انقلاب اسلامی، استقلال‌طلبی و بی‌اعتمادی راهبردی، عناصر ثابتی هستند که در طول زمان حفظ شده‌اند. از سوی دیگر، بازسازی پس از جنگ، رشد علمی و صنعتی، تحول ماهیت تهدیدات، بحران‌های منطقه‌ای، تحریم‌ها و پرونده هسته‌ای موجب شده‌اند که ابزارها و سازوکارهای دفاعی کشور دگرگون شوند. بنابراین، فرهنگ راهبردی ایران را باید فرهنگی دانست که در سطح اصول ثابت، اما در سطح ابزار و روش‌ها پویاست. این ویژگی سبب شده است که سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران از دفاع کلاسیک و واکنشی به سمت دفاع چندلایه، بازدارنده، منطقه‌ای و فناوری‌محور حرکت کند. نتیجه چنین تحولی، شکل‌گیری الگویی بومی از امنیت و دفاع است که هم ریشه در حافظه تاریخی دارد و هم توان انطباق با شرایط نوین را داراست.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف تبیین رابطه میان فرهنگ راهبردی و سیاست‌های دفاعی جمهوری اسلامی ایران در فاصله سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۸ انجام شد. پرسش اصلی آن بر این محور استوار بود که باورها، ارزش‌ها، هنجارها و تجربه‌های تاریخی نخبگان چگونه در شکل‌گیری، تداوم و تحول سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران بازتاب یافته‌اند. برای پاسخ به این پرسش، ابتدا تجربه جنگ تحمیلی

و آثار آن بر ذهنیت دفاعی کشور بررسی شد؛ سپس عوامل استمرار و تغییر فرهنگ راهبردی در دوره پس از ۱۳۶۸ تحلیل گردید؛ و در نهایت، تفاوت‌های دوره‌ای سیاست دفاعی ایران در پرتو تحولات فرهنگ راهبردی تبیین شد. برآیند این مسیر نشان داد که سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران در این دوره نه حاصل واکنش‌های مقطعی، بلکه نتیجه پیوند میان حافظه تاریخی، ادراک تهدید، ارزش‌های هویتی، ظرفیت‌های نهادی و تحولات محیط امنیتی بوده است. نخستین یافته مهم پژوهش آن است که پایان جنگ تحمیلی به معنای پایان اثرگذاری آن بر سیاست دفاعی کشور نبود. جنگ در سال‌های پس از ۱۳۶۸ به یک حافظه راهبردی پایدار تبدیل شد؛ حافظه‌ای که در تعریف تهدید، تعیین اولویت‌های دفاعی، سنجش آسیب‌پذیری و فهم ضرورت آمادگی نقش محوری ایفا کرد. تجربه کمبود تسلیحات، دشواری تأمین خارجی، حملات موشکی، فشارهای سیاسی و احساس تنهایی راهبردی، همگی در دوره پس از جنگ به مؤلفه‌های پایدار ذهنیت دفاعی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شدند. از دل همین تجربه، اصولی مانند خوداتکایی، آمادگی مستمر، بازسازی بنیه دفاعی و تقویت بازدارندگی اهمیت یافتند. بنابراین، تحول پس از جنگ بیش از آن‌که در اصل ارزش‌های دفاعی رخ داده باشد، در نحوه ترجمه آن ارزش‌ها به سیاست و ابزار دفاعی شکل گرفت. یافته دوم آن است که فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران در دوره مورد مطالعه، از دو روند هم‌زمان «پایداری» و «تغییر» تشکیل شده است. در سطح هسته‌های ارزشی، اصولی مانند استقلال، مقاومت، حفظ تمامیت ارضی، بی‌اعتمادی به اتکای امنیتی بر قدرت‌های خارجی و دفاع از بقا و امنیت ملی، پایدار باقی ماندند. این عناصر، بنیان‌های ثابت فرهنگ راهبردی ایران را تشکیل دادند و در مقاطع مختلف تاریخی، چارچوب اصلی فهم تهدید و تعیین پاسخ دفاعی را فراهم کردند. در مقابل، در سطح ابزارها و صورت‌های اجرایی، تغییرات مهمی رخ داد. خوداتکایی در سال‌های نخست پس از جنگ بیشتر با بازسازی زیرساخت‌های دفاعی و صنایع پایه پیوند داشت، اما در مراحل بعدی با توسعه فناوری موشکی، دفاع هوایی، پهپاد، جنگ شبکه‌ای، دفاع سایبری و دیپلماسی دفاعی معنا یافت. به همین ترتیب، بازدارندگی نیز از سطح جلوگیری از تکرار یک جنگ کلاسیک، به الگوی چندلایه، نامتقارن و منطقه‌محور تحول پیدا کرد. تحلیل عوامل استمرار نشان داد که چند متغیر اصلی در حفظ هسته فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران نقش داشته‌اند. نخست، تجربه جنگ تحمیلی بود که به‌صورت حافظه تاریخی در ذهن نخبگان و نهادهای دفاعی باقی ماند. دوم، ارزش‌های انقلاب

اسلامی و تأکید آن بر استقلال، مقاومت و نفی سلطه بود که به سیاست دفاعی ماهیتی هویتی و ارزشی بخشید. سوم، جایگاه استقلال سیاسی و راهبردی در نظام تصمیم‌گیری بود که سبب شد امنیت ملی همواره در نسبت با کاهش وابستگی و افزایش ظرفیت داخلی فهم شود. چهارم، نقش نهادهای دفاعی و نظامی بود که این ارزش‌ها و تجربه‌ها را از سطح ذهنیت به سطح ساختار، دکترین، سند و برنامه تبدیل کردند. در نتیجه، سیاست دفاعی ایران حتی در مقاطع تغییر دولت‌ها یا تفاوت در اولویت‌های اجرایی، برخی اصول بنیادین خود را حفظ کرد. تأکید پایدار بر خوداتکایی، بازدارندگی، آمادگی دفاعی و استقلال راهبردی، نشانه آن است که سیاست دفاعی کشور بر مبنای مجموعه‌ای از برداشت‌های عمیق و تاریخی از امنیت شکل گرفته است.

در کنار این عوامل پایدار، عوامل تغییر نیز تأثیر تعیین‌کننده‌ای در تحول سیاست دفاعی ایران داشته‌اند. تحریم‌ها، فشارهای بین‌المللی، محدودیت‌های فناوری، حضور نظامی آمریکا در افغانستان و عراق، بحران سوریه، ظهور داعش، رقابت‌های منطقه‌ای و تشدید پرونده هسته‌ای، همگی شرایطی پدید آوردند که جمهوری اسلامی ایران را به بازتعریف ابزارها و اولویت‌های دفاعی واداشتند. با این حال، این تحولات به کنار گذاشتن هسته فرهنگ راهبردی منجر نشدند؛ بلکه مسیرهای تازه‌ای برای بروز همان عناصر پایدار گشودند. برای نمونه، استقلال راهبردی در برابر تحریم به خودکفایی فناورانه تبدیل شد؛ ادراک تهدید منطقه‌ای به تقویت بازدارندگی پیرامونی انجامید؛ و تجربه بی‌ثباتی در محیط پیرامونی، اهمیت عمق راهبردی، دیپلماسی دفاعی و ظرفیت پاسخ چندسطحی را افزایش داد. از این رو، می‌توان گفت استمرار و تغییر در فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران دو روند جداگانه و متعارض نبودند، بلکه در تعامل با یکدیگر عمل کردند. استمرار، مرزهای ارزشی و ادراکی سیاست دفاعی را تعیین کرد و تغییر، ابزارها و روش‌های تحقق آن را متناسب با شرایط نوین دگرگون ساخت. این پیوند توضیح می‌دهد که چرا سیاست دفاعی ایران در دوره ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۸ هم واجد ثبات قابل تشخیص بود و هم از حیث ابزار، دامنه و روش‌های اجرا دچار تحول شد. فرهنگ راهبردی در این میان، زمینه‌ای را فراهم کرد که در آن تهدیدها معنا یافتند و گزینه‌های دفاعی مشروعیت پیدا کردند؛ در مقابل، سیاست دفاعی نیز از طریق تجربه عملی، فشارهای بیرونی و نتایج امنیتی، به بازتولید و تقویت برخی مؤلفه‌های همان فرهنگ کمک کرد.

تحلیل دوره‌ای سیاست دفاعی نشان داد که سال‌های نخست پس از جنگ بیشتر تحت سلطه منطق ترمیم، بازسازی و کاهش آسیب‌پذیری قرار داشت. در این مرحله، اولویت اصلی بر بازگرداندن توان دفاعی، سامان‌دهی ظرفیت‌های آسیب‌دیده، تقویت زیرساخت‌های نظامی و جلوگیری از تکرار تجربه جنگ بود. با افزایش حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در اطراف ایران و پیچیده‌تر شدن محیط منطقه‌ای، سیاست دفاعی کشور به تدریج از مرحله بازسازی صرف به مرحله بازدارندگی فعال‌تر وارد شد. در مراحل بعد، تشدید فشارهای هسته‌ای و تحریمی، توسعه فناوری‌های بومی و توان موشکی را به یکی از محورهای اصلی دفاع تبدیل کرد. در سال‌های پایانی بازه مورد مطالعه نیز بحران‌های منطقه‌ای و تهدیدات ترکیبی، سیاست دفاعی ایران را به سمت نگاه چندسطحی‌تر، منطقه‌محورتر و شبکه‌ای‌تر سوق داد.

نتیجه این دوره‌بندی آن است که تفاوت‌های سیاست دفاعی ایران در فاصله ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۸، ناشی از گسست از فرهنگ راهبردی پیشین نبود، بلکه بیانگر انطباق تدریجی همان فرهنگ با شرایط جدید امنیتی بود. در سال‌های نخست، تهدید بیشتر در قالب تکرار جنگ سرزمینی و آسیب‌پذیری کلاسیک فهم می‌شد؛ اما در سال‌های بعد، تهدید با حضور مستقیم قدرت‌های خارجی، فشارهای چندجانبه، تحریم، بحران منطقه‌ای، بازیگران غیردولتی، جنگ نیابتی و تهدیدات ترکیبی پیوند خورد. همین تحول در ادراک تهدید، موجب تغییر در ابزارهای دفاعی شد. به همین دلیل، توان موشکی، دفاع نامتقارن، فناوری‌های بومی، دیپلماسی دفاعی و توجه به محیط پیرامونی، به عنوان پاسخ‌های مرحله‌ای به تهدیدات متحول‌شده پدیدار شدند. پژوهش حاضر از این انتظار نظری پشتیبانی می‌کند که فرهنگ راهبردی در جهت‌دهی به سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران نقش مهمی دارد؛ اما در عین حال نشان می‌دهد که سیاست دفاعی را نمی‌توان صرفاً به یک عامل فرهنگی فروکاست. سیاست دفاعی ایران در تعامل میان فرهنگ راهبردی، شرایط مادی، محیط ژئوپلیتیکی، ظرفیت‌های نهادی، تحولات فناوری و فشارهای خارجی شکل گرفته است. نقش فرهنگ راهبردی در این میان، فراهم‌کردن زبان مشترک برای فهم تهدید و چارچوب ترجیح‌گزینه‌های دفاعی بوده است. این فرهنگ تعیین کرده است که چگونه مفاهیمی چون استقلال، خوداتکایی، مقاومت، بازدارندگی و آمادگی دفاعی در ذهنیت نخبگان و در سطح سیاست رسمی معنا پیدا کنند.

از حیث سازوکار اثرگذاری نیز نتایج پژوهش روشن ساخت که تجربه تاریخی به ادراک تهدید تبدیل شده، ادراک تهدید در تعیین اولویت‌های دفاعی نقش یافته، ارزش استقلال به سیاست خوداتکایی و کاهش وابستگی انجامیده، و فرهنگ مقاومت در منطق بازدارندگی و آمادگی دفاعی تجلی پیدا کرده است. همچنین تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، قالب‌های اجرایی این عناصر را دگرگون کرده‌اند. در نتیجه، رابطه میان فرهنگ راهبردی و سیاست دفاعی را باید رابطه‌ای واسطه‌مند دانست؛ رابطه‌ای که از طریق نهادها، اسناد، تجربه‌های تاریخی، برداشت نخبگان و فشارهای محیطی به سیاست عملی تبدیل می‌شود. یکی از دستاوردهای نظری مهم این پژوهش، برجسته‌کردن تمایز میان «ثبات جهت‌گیری» و «تحول ابزار» است. سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران در دوره مورد مطالعه از نظر جهت‌گیری‌های اصلی، بر استقلال، خوداتکایی، بازدارندگی و مقابله با تهدید استوار مانده است؛ اما ابزارهای تحقق این جهت‌گیری‌ها از بازسازی ساختارهای پایه دفاعی به سوی فناوری موشکی، دفاع نامتقارن، توان شبکه‌ای، دیپلماسی دفاعی و توجه به محیط پیرامونی تحول یافته‌اند. این تمایز به فهم دقیق‌تر روند سیاست دفاعی ایران کمک می‌کند و مانع از آن می‌شود که تغییر در ابزارها به اشتباه به معنای تغییر در بنیادهای راهبردی تلقی شود.

از منظر کاربردی نیز پژوهش نشان داد که تحلیل سیاست دفاعی ایران با تمرکز صرف بر توان نظامی، بودجه یا فشارهای خارجی کامل نمی‌شود. ابزارهای دفاعی زمانی دقیق‌تر فهم می‌شوند که در پیوند با تجربه تاریخی، ادراک نخبگان، برداشت از تهدید و ارزش‌های راهبردی تحلیل شوند. خوداتکایی دفاعی از تجربه محدودیت و وابستگی معنا می‌گیرد؛ بازدارندگی از خاطره آسیب‌پذیری و فشار خارجی تغذیه می‌شود؛ و دیپلماسی دفاعی در پیوند با مدیریت محیط پیرامونی قابل فهم است. بر این اساس، سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران را باید نه فقط در سطح ابزار، بلکه در سطح منطق تصمیم‌گیری و چارچوب ادراکی بررسی کرد. در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت که فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران در دوره ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۸ نقشی جهت‌دهنده، انطباق‌پذیر و انباشتی در سیاست دفاعی کشور داشته است. جهت‌دهنده بود، زیرا معنا و اولویت دفاع را در پیوند با استقلال، مقاومت و بازدارندگی تعریف کرد. انطباق‌پذیر بود، زیرا در برابر تغییرات محیطی، ابزارهای تازه‌ای برای تحقق اصول پایدار پذیرفت. انباشتی بود، زیرا هر مرحله تاریخی، تجربه‌ای تازه به ذخیره راهبردی کشور افزود و این تجربه در مرحله بعد در قالب سیاست، ابزار یا اولویت دفاعی بازتاب

یافت. بنابراین، سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران در دوره مورد مطالعه را باید محصول پیوند میان هسته‌های پایدار فرهنگ راهبردی و پاسخ‌های تدریجی به محیط متغیر امنیتی دانست.

پیشنهادهای پژوهشی

پیشنهادهای پژوهشی

بر پایه یافته‌های این پژوهش، چند مسیر برای ادامه مطالعات آتی پیشنهاد می‌شود. نخست، تحلیل گفتمان سخنان و اسناد دفاعی نخبگان سیاسی و نظامی در دوره‌های مختلف پس از جنگ می‌تواند نشان دهد مفاهیمی مانند تهدید، استقلال، خوداتکایی و بازدارندگی چگونه در زبان رسمی دفاعی بازتولید شده‌اند. دوم، انجام مطالعات تطبیقی میان فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران و کشورهای مهم منطقه، مانند ترکیه، عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی، می‌تواند تفاوت الگوهای بازدارندگی، خوداتکایی و مدیریت تهدید را روشن‌تر کند. سوم، بررسی مستقل نقش تحریم‌ها در تحول خوداتکایی دفاعی، به‌ویژه در حوزه‌های موشکی، پهپادی، دفاع هوایی و فناوری‌های نوین، می‌تواند یکی از خلأهای مهم مطالعات سیاست دفاعی ایران را پوشش دهد.

چهارم، مطالعه دوره پس از ۱۳۹۸ با تمرکز بر دفاع سایبری، جنگ شبکه‌ای، پهپاد، فضا و هوش مصنوعی دفاعی برای فهم مرحله جدید فرهنگ راهبردی و سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران ضروری است. پنجم، انجام پژوهش‌های میدانی محدود با خبرگان حوزه امنیت ملی، سیاست دفاعی و مطالعات راهبردی می‌تواند تحلیل اسنادی موجود را با تجربه مستقیم تصمیم‌گیران و تحلیلگران تخصصی تکمیل کند.

پیشنهادهای کاربردی

در سطح کاربردی، چند پیشنهاد قابل طرح است. نخست، ایجاد بانک اسنادی منظم، طبقه‌بندی‌شده و قابل ارجاع درباره اسناد راهبردی، مواضع رسمی و روندهای دفاعی کشور می‌تواند هم کیفیت پژوهش‌های دانشگاهی و هم دقت تصمیم‌سازی‌های تخصصی را افزایش دهد. دوم، تدوین گزارش‌های دوره‌ای غیرمحرمانه درباره منطق سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران، با تمرکز بر بازدارندگی، خوداتکایی، دفاع ملی و تهدیدات پیرامونی، می‌تواند فاصله میان تحلیل دانشگاهی و تصمیم‌سازی اجرایی را کاهش دهد.

سوم، طراحی نظام ارزیابی برای سنجش میزان تحقق خوداتکایی دفاعی در حوزه‌های فناوری نوین، از جمله موشکی، پهپادی، دفاع هوایی، سایبری و فضایی، می‌تواند به شناسایی بخش‌های نیازمند سرمایه‌گذاری و هماهنگی نهادی کمک کند. چهارم، تقویت ارتباط سازمان‌یافته میان دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی دفاعی و نهادهای سیاست‌گذار، امکان تبدیل پژوهش‌های امنیتی و دفاعی به بسته‌های سیاستی و برنامه‌های آموزشی تخصصی را فراهم می‌سازد. پنجم، آموزش منظم مفاهیم فرهنگ راهبردی، بازدارندگی، امنیت منطقه‌ای، جنگ شبکه‌ای و تهدیدات ترکیبی به مدیران و کارشناسان مرتبط با سیاست‌گذاری دفاعی، می‌تواند به ارتقای انسجام تحلیلی در تصمیم‌سازی کمک کند.

ششم، ایجاد سازوکار رصد مستمر نسبت میان تهدیدات جدید و ابزارهای دفاعی موجود، به‌ویژه در محیط پیرامونی ایران، می‌تواند سیاست دفاعی را از واکنش کوتاه‌مدت به برنامه‌ریزی پیش‌دستانه نزدیک‌تر کند. هفتم، مستندسازی تجربه‌های دفاعی و امنیتی دوره پس از جنگ، در قالب گزارش‌های تحلیلی قابل استفاده برای آموزش و سیاست‌گذاری، می‌تواند از گسست میان حافظه نهادی و برنامه‌ریزی دفاعی آینده جلوگیری کند. هشتم، تقویت دیپلماسی دفاعی با کشورهای همسایه و محیط پیرامونی، در کنار حفظ توان بازدارندگی، می‌تواند بخشی از فشارهای امنیتی را از مسیر گفت‌وگو، اعتمادسازی محدود، همکاری‌های مرزی و مدیریت بحران کاهش دهد.

فهرست منابع

- بدخشان، مجتبی، شمس‌الدین نژاد، مجید، و داوند، محمد. (۱۴۰۱). پایش شالوده‌های دیپلماسی دفاعی در دیدگاه امنیتی امام خامنه‌ای. آفاق امنیت، ۱۵(۵۶)، ۷۷-۱۰۷.
- بطلانی اصفهانی، راحله، و خدابخشی، لیلا. (۱۴۰۴). بازدارندگی مبتنی بر توانمندی داخلی ایران و تأثیر آن بر گزینه‌های سیاست خارجی: تحلیل رابطه متقابل میان خوداتکایی دفاعی و استقلال دیپلماتیک. جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۶(۲)، ۷-۳۱.
- ترابی، قاسم، و رضایی، علیرضا. (۱۳۹۰). فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران: زمینه‌های ایجابی، شاخص‌های اساسی. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۴(۵۴)، ۱۳۵-۱۶۲.
- حسن‌زاده، فاضل، روان‌بد، امین، و زارعی، غفار. (۱۳۹۹). تأثیر منزلت‌طلبی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی بر محیط امنیتی خاورمیانه. جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۳(۴)، ۲۲۰۳-۲۲۱۸.
- دهقان، حسین، و تیلا، شعبان. (۱۴۰۰). الگوی راهبردی دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر قدرت نرم. پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۱(۲۳)، ۲۵۱-۲۸۰.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، و عزیزی بساطی، مجتبی. (۱۳۹۸/۱۳۹۷). توانمندی موشکی در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا، ۲۰۰۱-۲۰۱۸. سیاست دفاعی، ۱۰۳، ۸۹-۱۲۱.
- سجادی، سیدمحسن، و حاتمی، اصغر. (۱۳۹۸). بازدارندگی موشکی به مثابه راهبرد امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. دانش تفسیر سیاسی، ۱۱(۱)، ۷۱-۹۶.
- سلیمی، حسین، و حجازی، سید امین. (۱۳۹۹). چگونگی تأثیر فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی بر رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ تکوین نقش دولت رسالت‌محور. پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۹(۳۴)، ۴۲-۹۵.
- شریعتی، شهرزاد، و نعمت‌پور، علی. (۱۴۰۲). منطق بازدارندگی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. پژوهش‌های معاصر انقلاب اسلامی، ۵(۱۶)، ۹۱-۱۱۷.
- علایی، حسین. (۱۴۰۰). بررسی و ارزیابی راهبردهای دفاعی و نظامی جمهوری اسلامی ایران در جنگ تحمیلی. مطالعات دفاع مقدس، ۷(۲)، ۴۹-۷۳.
- فیاض فاروجی، علی، زارع، محمد، و محمدی سیرت، علی. (۱۴۰۴). تکامل راهبرد بازدارندگی منطقه‌ای در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. آفاق امنیت، ۱۸(۶۷)، ۱۱-۳۷.
- قنبرلو، عبدالله. (۱۳۹۱). فرهنگ راهبردی و دفاع ملی؛ مطالعه موردی جنگ تحمیلی. مطالعات راهبردی، ۱۵(۳)، ۳۱-۵۰.

- قیصری، نوراله، و خضری، احسان. (۱۳۹۵). سیاست دفاعی نظام جمهوری اسلامی ایران: بررسی اسناد کلان. رهیافت انقلاب اسلامی، ۱۰(۳۷)، ۵۷-۷۴.
- موسوی، سید محمد. (۱۴۰۱). فرهنگ راهبردی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: منابع و تأثیرات. مطالعات فرهنگ دیپلماسی، ۱(۳)، ۳۳-۵۳.
- موسوی، سیده مریم، و قاسمی، فرهاد. (۱۴۰۳). جنگ‌های شبکه‌ای و بازدارندگی: مطالعه موردی جمهوری اسلامی ایران. پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۱۳(۵۰)، ۱۷۵-۲۱۲.
- نجفی، سجاد، یزدان‌پناه درو، کیومرث، پیشگاهی فرد، زهرا، و بدیعی ازندهای، مرجان. (۱۳۹۹). تبیین عوامل اقتصادی کلیدی تأثیرگذار بر قدرت دفاعی ایران در افق زمانی ۱۴۱۰. تحقیقات اقتصادی، ۵۵(۱۳۲)، ۷۳۷-۷۶۰.
- نجفی، سجاد، یزدان‌پناه درو، کیومرث، پیشگاهی فرد، زهرا، و بدیعی ازندهای، مرجان. (۱۴۰۲). تبیین عوامل سیاسی کلیدی تأثیرگذار بر قدرت دفاعی ایران در افق زمانی ۱۴۱۰. ژئوپلیتیک، ۱۹(۶۹)، ۶۹-۹۵.
- یوسف‌وند، یعقوب، کاظمی زند، علی‌اصغر، طاهری، ابوالقاسم، و ابطحی، سیدمصطفی. (۱۳۹۸). طراحی الگویی از کاربریست قدرت نرم دیپلماسی دفاعی در اجرای سیاست‌های دفاعی جمهوری اسلامی ایران. راهبرد دفاعی، ۱۷(۴)، ۹۳-۱۲۳.
- Eslami, M., & Vysotskaya Guedes Vieira, A. (2022). Shi'a principles and Iran's strategic culture towards ballistic missile deployment. *International Affairs*, 98(2), 675-688.
- Gergiieva, V., & Levinson, D. (2021). Strategic culture phenomena in Iran-Israel relations. *International and Political Studies*, 34, 59-72.
- Maulana, M. A. (2024). Unveiling Iran's deterrence by denial strategy in retaliatory strike against Israel. *Indonesian Journal of International Relations*, 8(2), 480-503.
- Parchami, A. (2022). An Iranian worldview: The strategic culture of the Islamic Republic. *Journal of Advanced Military Studies*, Special Issue, 9-23.
- Rivera, W. A. (2022). The strategic culture of resistance: Iranian strategic influence in its near abroad. *Journal of Advanced Military Studies*, Special Issue, 49-68.
- Serscikov, G. (2025). The role of strategic culture in shaping Iran's cyber defense policy. *International Journal of Intelligence and CounterIntelligence*, 38(2), 658-689.

- Şimşek, H. F. (2025). Iran's proxy war paradox: Strategic gains, control issues, and operational constraints. *Small Wars & Insurgencies*, 36(6), 997–1024.
- Behraves, M. (2019). Upgrading Iran's military doctrine: An offensive forward defense. Middle East Institute.
- Defense Intelligence Agency. (2019). Iran military power: Ensuring regime survival and securing regional dominance. U.S. Defense Intelligence Agency.
- Freilich, C. (2024). Iran's cyber strategy, institutions, and capabilities. Institute for National Security Studies